

کانت و فرهنگ جهانی

زهره سعیدی

www.ketab.ir



سرشناسه	: سعیدی، زهره.
عنوان و نام پدیدآور	: کانت و فرهنگ جهانی/ زهره سعیدی؛ ویراستار پروین حاجی‌پور.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۴۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م. -- دیدگاه درباره فرهنگ
موضوع	: Kant, Immanuel -- Views on culture
موضوع	: فرهنگ -- فلسفه
موضوع	: Culture -- Philosophy
موضوع	: فلسفه آلمانی -- قرن ۱۸ م. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Philosophy, German -- 18th century -- History and criticism
موضوع	: انسان‌شناسی تربیتی
موضوع	: Educational anthropology
شناسه افزوده	: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
رده بندی کنگره	: B۱۹
رده بندی دیویی	: ۱۹۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۶۷۹۰



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
دانشگاه تهران

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: کانت و فرهنگ جهانی

نویسنده: زهره سعیدی (استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات)

ویراستار: پروین حاجی‌پور

طرح جلد: فاطیما وفا

صفحه‌آرایی: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۴۵-۸

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴-۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۰۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

۱.....	سخن ناشر
۳.....	مقدمه
۷.....	معنای فرهنگ
۱۱.....	مفهوم فرهنگ در نقد قوه حکم
۳۳.....	نسبت فرهنگ و خیر اعلا
۴۳.....	فرهنگ آزادی
۶۳.....	فرهنگ صلح
۶۹.....	تاریخ‌مندی فرهنگ
۷۵.....	رشد طبیعی عقل (فرهنگ)
۹۱.....	رشد فعالانه عقل (فرهنگ)
۹۲.....	۱. آموزش و پرورش
۱۱۴.....	۲. دانشگاه
۱۲۹.....	نتیجه‌گیری
۱۳۵.....	فهرست منابع
۱۳۷.....	نمایه

مقدمه

كانت سه نقاش در سه حوزه معرفت نظری، اخلاق و ذوق زیبایی‌شناسی نگاشته است. نقد اول را به حدود شناسایی اختصاص داده و با تفکیک پدیدار از ناپدیدار، عقل نظری را صرفاً قادر به شناخت پدیدارها یا امور تجربی دانسته و امور غیر تجربی را ناپدیدار (اراده آزاد، جاودانگی و خدا) را اموری به شمار آورده است که عقل نظری ذاتاً قادر به شناخت آنها نیست. به این ترتیب، بنیاد نقد دوم را گذاشته و در ساحت عقل عملی، واقعیت و عینیت سه ایده (اراده آزاد، جاودانگی و خدا) را نشان داده است. به گفته وی، عقل نظری برای شناسایی قلمرو طبیعت است، قوانین تجربی را وضع و تصویری ضروری و متعین از امور تجربی عرضه می‌کند. عقل عملی با نشان دادن قلمرو آزادی یا بایدها، قوانین اخلاقی را وضع می‌کند و آن را به طبیعتی آزاد از ضرورت علی متعلق می‌داند. از آنجا که امکان تحقق قوانین اخلاقی در طبیعت واجد ضرورت علی وجود ندارد، بنیاد نقد سوم گذاشته و به کمک قوه حکم تأملی، فی‌نفسه طبیعت که آزاد از قوانین علی و مبتنی بر اصل غایی است، نشان داده می‌شود و ساحت تحقق قوانین عقل عملی عرضه می‌گردد. قوه حاکمه با تأمل بر طبیعت و بر مبنای اصل غایت‌مندی، علیت غایی را نشان می‌دهد و تصویری غایت‌مند از طبیعت به مثابه

يك كل عرضه می‌کند؛ و با این کار امکان ارتباط طبیعت محسوس با طبیعت فوق محسوس را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، نقد سوم با عرضه فی‌نفسه طبیعت و خوانش غایت‌مندانه آن، جهانی آزاد از تعینات علی عرضه می‌کند و با این کار پیوند ساحت نظر (طبیعت) و ساحت عمل (آزادی) را برقرار می‌سازد. همچنین با این کار، عرصه تحقق قوانین عقل عملی و به تبع آن فرهنگ فراهم می‌شود.

کانت پس از تکمیل سه نقد متافیزیکی خود، برای تأسیس متافیزیکی در اینان، موضوعات اجتماعی و سیاسی را در عین وفاداری به محتوای نظام نقدی خود، رد توجیه بیشتری قرار داد. بدین منظور، او سعی کرد تحولات اجتماعی و تطوف به آینده را در پرتو حرکت عقل در تاریخ - که با عناوین دیگری چون مشروطیت، دموکراسی یا خواست طبیعت نیز بیان شده است - و طراحی گونه‌ای از فلسفه تاریخ تحلیل کند. برای او آینده تاریخ می‌تواند همان ایده خیر اعلا و تشکیل ملکوت عبارت باشد؛ مشروط بر اینکه مجرای نیل به خیر اعلا در عرصه اجتماعی رهنموی همدق رعایت شود. سازوکار یادشده ذیل مفهوم فرهنگ صورت‌بندی شده است.

در نظام فکری کانت، حوزه فرهنگ در ارتباط با تأملات انسان جدید (مدرن) نسبت به طبیعت مطرح شده است. در رای کانت طبیعت شئون متعددی دارد. یکی از شئون طبیعت محیط اجتماعی و ساختارهای مدنی است که آدمی در آن‌ها متولد می‌شود، رشد می‌کند و در جریان فعالیت‌هایش خود را به نمایش می‌گذارد. شأن دیگر طبیعت برای کانت - یات طبیعی (فیزیکال) آدمی است که در هیئت جسم و ذهن نمود یافته است. در این حالت بخش درخور توجهی از مسئله فرهنگ به برقراری نسبت عقلانی و متعادل میان دو شأن فوق معطوف است. به این معنا که چگونه آدمی می‌تواند در جریان ارتباط با محیط اجتماعی یا مشارکت‌های مدنی، هم به ارتقای جسم و ذهن خود صورت تحقق بخشد و هم سعادت خویش را حاصل آورد. به این منظور، کانت در جریان تحلیل مفهوم فرهنگ دو معنای سعادت و به تبع

دو معنای فرهنگ را از هم تفکیک کرده است. متناسب با آموزه‌های نقد عقل عملی، وی در نقد سوم، سطح نخست سعادت مدنی را ذیل عنوان فرهنگ مهارت و به مثابه شرط و مقدمه سعادت نهایی (ملکوت غایات و خیر اعلیٰ) یا فرهنگ انضباط که همان اخلاقی بودن محض و عقلانیت کامل است، معرفی کرده است.

کانت در تحلیل مفهوم فرهنگ مهارت، به استفاده آگاهانه آدمی و جامعه جدید از همراهی‌های طبیعت - که طبیعت پیرامون، آن را به مثابه مشیت الهی در اختیار رشد عقل و تاریخ تکامل آدمی نهاده است - اشاره کرده و این استفاده آگاهانه را در راستای توسعه جامعه مدنی، نظام جمهوری، فدراسیون متشکل از کشورهای آزاد، صلح پایدار، توسعه شهروندی و بسیاری از مفاهیم دیگری قرار داده است. به بهزیستی به حضور جدی‌تر و عقلانی‌تر آدمی در ساختن دنیای پیرامون خود مربوط هستند. کانت برای این مرتبه که به مثابه شرط و مقدمه تحقق مرتبه دیگر (فرهنگ انضباط) است، نظام آموزشی‌ای را تدارک دیده است که در آن آدمی با چشم‌پوشی به آینده نزدیک و دور، قدم به قدم جامعه جدید را به سمت مرحله‌ای کامل‌تر از رشد و عقلانیت هدایت می‌کند. سازوکارهای متعدد مزبور اسم از حکومت جمهوری، جامعه مدنی، شهروندی، صلح و غیره در این فرایند محصور است. شرط و مقدمه‌ای برای رسیدن به اخلاقیات و عقلانیت محض عمل می‌کند. از این‌روست که کانت در رساله آموزش و پرورش در کنار دو کارکرد شرط از آموزش یعنی مهارت‌های فنی و شهروندی به کارکرد سوم یعنی اخلاقی بودن و اخلاقی کردن جامعه متناسب با رشد عقل در تاریخ نظر دارد. کانت به فرهنگ انضباط به عنوان زبان مشترک عقلانیت یا همان زبان بین‌المللی تمام اقوام و ادیان و فرهنگ‌های اروپایی و غیراروپایی می‌اندیشد. به این معنا که طبیعت یا مشیت الهی مقتضی آن است که تمام انسان‌هایی که ورود به مرحله تازه‌ای از دوره جدید را درک کرده و آگاهانه عضویت خود را در آن اعلام داشته‌اند، به کمک هم و به پشتوانه عقلانیت تاریخی و با چشمی به آینده از مجرای

آموزش، کارکردهای سه‌گانه مزبور را وجهه همت قرار دهند و ارایه فرهنگ و تمدن بشری را به‌سوی آزادی و صلح بیشتر هدایت کنند.

پژوهش حاضر تلاش کرده است مفهوم فرهنگ را با تکیه بر نقد سوم و آثار پسانقدی کانت تبیین و تحلیل کند و در ادامه با عرضه نظام آموزشی، اعم از آموزش و پرورش و دانشگاه، به‌مثابه بستر ضروری ارتقای فرهنگ، نظام فکری‌ای را عرضه دارد که در آن آموزش به‌مثابه مهم‌ترین رکن انتقال و توسعه فرهنگ ایفای نقش می‌کند. امیدوارم این پژوهش که بر روش تبیین و تحلیل استوار است، بتواند نگاه روشن و جامعی از مفهوم فرهنگ در اندیشه کانت و بستر ارسای آن در اختیار مخاطب خود بگذارد.